

بررسی مسأله تأثیر فقر اقتصادی در ناکارآمدی نظام تربیت اخلاق محور

علی احمد ناصح^۱

رضا نجفی^۲

چکیده

فقر اقتصادی، پدیده‌ی شومی که همواره جوامع بشری را تهدید نموده و بستر ساز آسیب‌های تربیتی و اخلاقی بوده است. مسأله‌ی مهم حاضر، چگونگی و میزان نفوذ و تأثیرگذاری فقر اقتصادی در دیگر ابعاد تربیتی و اخلاقی و همچنین نقش آن در ناکارآمدی تربیت اخلاقی است. مطالعات و تحقیقات میدانی به وضوح نشان می‌دهد که سهم آسیب‌زایی فقر اقتصادی در بروز بداخلاقی، هنجارشکنی و بزهکاری به مراتب بیش از دیگر عوامل فردی و اجتماعی است. علاوه بر آن فقر اقتصادی مانعی جدی در کارآمدی تربیت مبتنی بر اخلاق نیز محسوب می‌شود. فقر اقتصادی ریشه و مسبب ایجاد فقر علمی، فقر عاطفی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، فقر سیاسی و فقر اعتقادی است که هر یک از این عناوین خود سدی در برابر تربیت اخلاقی هستند. از همین رو آموزه‌های اسلام نسبت به رواج فقر اقتصادی در جامعه هشدار جدی داده و آن را موجب اختلال در نظام تربیتی و اخلاقی معرفی نموده است.

واژگان کلیدی

فقر اقتصادی، ناکارآمدی، تربیت اخلاقی.

Email: aliahmadnaseh@yahoo.com

Email: najafi9487@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۲۱

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

۲. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۴

مقدمه

اگر چه فقر اقتصادی و رابطه ی آن با سایر کنش های اجتماعی به وفور تحلیل شده اما به جنبه های کاربردی آن کمتر توجه شده است. به عبارت دیگر بازتاب فقر اقتصادی را باید در لایه های پیدا و پنهان اجتماعی جستجو نمود. از آن مهم تر بررسی و تحلیل نظر اندیشمندان و نخبگان جامعه می باشد؛ نه از آن حیث که در شاخه ای از علوم عقلی، تجربی یا نظری صاحب سبک و رأی هستند، که از آن جهت که نگاهشان به پدیده های اجتماعی ریزاندیش و هوشمندانه است. بررسی های مقدماتی نوشتار حاضر نشان داد که علی رغم تلاش های گسترده ای که در خصوص نمایاندن آسیب های ناشی از فقر انجام شده، اما به تدوین اثرات آن در تربیت اخلاقی و فعلیت آن در رفتار توجه لازم صورت نگرفته است. خصوصاً اینکه پدیده ی مخرب فقر اقتصادی را باید در کنش های رفتاری فقراء ارزیابی نمود. البته همچنان که تحلیل خواهد شد نتایج رفتاری فقر در ایجاد ناهنجاری های اجتماعی مطلق نبوده و ابداً به معنای فراگیر همه عناصر این گروه نیست. نتایج حاصله از پژوهش و نگارش آنچه در ادامه می آید این است که عدم توجه به این مهم خسارت هایی را در سطوح مختلف اجتماعی به بار می آورد که گاه جبران آن هزینه های سنگینی در بر دارد و البته گاهی اصلاح آن ناممکن است.

پژوهش حاضر در میان یکصد نفر از اساتید نخبه دانشگاه های چند استان انجام شده است. پرسش نامه های لازم پس از طراحی و تدوین علمی در اختیار اساتید قرار داده شد و علاوه و تکمیل آن، دیدگاه و ارزیابی تشریحی موضوع نیز مطالبه گردید. مجموعه ی پرسشنامه ها پس از تحلیل. آنالیز نظری و آماری در قالب عناوین و نمودارهای موجود ارائه شده است.

به موازات آنچه ذکر شد تحقیقی میدانی از یکی از زندان ها بعمل آمده و یکصد نفر از محکومان جرایم حقوقی و کیفری به روش مصاحبه ارزیابی شدند. در این تحقیق از جنبه های مختلف نظرات ایشان اخذ شده و در قالب نمودار تحلیل علمی گردید. ضریب خطای اظهار نظر این گروه ملاحظه شده و تأثیر آن در نتیجه تحلیل ها مد نظر قرار گرفته است. آنچه در متن مقاله خوانده می شود محصول ارزیابی و تحلیل نتایج هر دو تحقیق می باشد.

طرح مسأله:

فقر اقتصادی حالتی است که طی آن شخص از تأمین نیازهای خود ناتوان می باشد. اگرچه تعیین سطح نیازمندی های فردی و اجتماعی در حوزه اقتصاد کار دشوار است، اما تأثیرات مثبت یا منفی آن غیر قابل انکار می باشد. دشواری آن از جهت ورود مفاهیمی چون طمع، آزمندی، اسراف، رقابت و دیگر موضوعاتی است که معمولاً به ایجاد تفکر نیازمندان ی اقتصادی در اشخاص یا جوامع دامن می زند و البته هر یک در جای خود جزئی از اخلاق رذیلت به شمار می آیند. با وجود آنچه ذکر گردید می توان فقر اقتصادی را به آسیب پذیری و پایین بودن سطح

درآمد خانوار تعبیر نمود که شرایط را به زیر حد متوسط اقتصادی جامعه تنزل می دهد. در این وضعیت شخص یا خانواده از رفع نیازها و تهیه حداقل ها احساس ناتوانی نموده و چه بسا مقدمه ی برخی نابسامانی های رفتاری فراهم گردد. گاه نیز عوامل فقر اقتصادی همچون بیکاری و تورم خود را بر اشخاص تحمیل نموده و بازخورد منفی تربیتی را به دنبال خود ایجاد می نمایند که بی تردید نیازمند چاره جویی بوده و گسترش آنها می تواند در بدنه ی عمومی جامعه آسیب های جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

مسأله ی پیش رو آن است که بروز فقر اقتصادی تا چه میزان در شکل گیری ردائل اخلاقی مؤثر می باشد و چگونه مسیر را بر تربیت اخلاقی مسدود می نماید؟ البته باید دشواری های عمده ای را نیز به موضوع افزود و از آن جمله می توان به کاهش آموزش های عمومی و تخصصی اشاره نمود که افراد بی بضاعت یا اصطلاحاً فقیر از آنها بهرمنند نیستند و همین معضل، اهمیت حل مسأله ی ارتباط میان فقر اقتصادی و ناکارآمدی تربیت اخلاقی را افزون می نماید. از این رو می توان فرضیه ای را طرح نمود که برابر آن تا حدی فقر اقتصادی را عامل بروز سایر انواع فقر همچون فقر اجتماعی، فقر علمی، فقر فرهنگی و ... دانست که البته در برخی موارد ارتباط ایجاد شده تعاملی و دو سویه می باشد و در برخی دیگر یک سویه و علت و معلولی. از همین منظر است که عدم برخورداری های مادی یا همان فقر اقتصادی مسبب ظهور نشانه های فقر معنوی نیز می گردد. این موضوع در جای خود آسیب قابل توجهی را به بار می آورد که در نهایت ریشه های تربیت پذیری و اخلاق مداری رفتار شخص یا جامعه را مورد تهدید قطعی قرار خواهد داد. ذکر این نکته بسیار پر اهمیت است که دو نهاد اخلاق و دین همواره در تلاشتند تا به مخاطبین خود تفکر غنای مادی را در عین بروز برخی از نیازمندی ها تفهیم نمایند. مفاهیمی همچون قناعت، صرفه جویی، صبر و ... همین هدف متعالی را دنبال می نمایند که البته در فرهنگ دینی اسلام، همگی مبتنی بر آموزه های قرآن کریم و سنت معصومین می باشد. کلام علی (ع) در این بخش بسیار گویاست که فرمودند «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» قناعت دارایی است که پایان نیابد. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۵۷)

این پدیده در همه ادوار تاریخ و میان همه نسل ها مذموم بوده و همگان تلاش کرده اند تا خود، خانواده و جامعه را از فرو رفتن در آن رها نمایند. تأکیدات فراوان اسلام بر توسعه ی فرهنگ کار و تلاش در میان افراد اجتماع مسلمانان و نکوهش بیکاری و تن پروری، گویای همین واقعیت مهم می باشد. با مطالعه ی مبانی اخلاقی اسلام در می یابیم که موضوع فقر اقتصادی به عنوان مسأله ای جدی و دغدغه ای گریز ناپذیر مطرح بوده و آموزه های قرآن و سنت و جهت گیری فتاوی فقها و مجتهدین همواره در نبردی سترگ با عوامل ایجاد فقر از یک سو و ردائلی همچون اسراف، احتکار و استثمار اقتصادی از سوی دیگر بوده است؛ چرا که به نظر

می رسد بر اساس همین آموزه ها ، هم زمانی فقر و تهیدستی با رشد و تعالی اخلاقی و دینی دشوار و در برخی مواضع چالش بر انگیز می باشد. بار دیگر به کلام امیرالمؤمنین (ع) باز می گردیم که فرمودند «البخلُ عارٌ و الجبنُ منقصةٌ و الفقرُ يخرسُ الفطنَ عن حُجَّتِهِ و المُقلُّ غريبٌ في بلدِهِ» بخل، ننگ است و ترس، نقصان و تهیدستی، کُند کننده ی زبان زیرک در بیان استدلالش و تنگدست بیگانه در دیار خودش... (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳) این کلام گهر بار از زاویه ی دیگر اهمیت اقتصاد خانواده و تأمین معاش را در آیات و روایات اسلامی نشان می دهد که موجب پر رنگ شدن مسأله نیز می گردد. طلب روزی حلال به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تربیت اخلاقی است که در منابع دینی به صورت گسترده مطرح شده است. رسول خدا فرمودند « طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ و مُسْلِمُهُ جَسْتَجَوِي رَوْزِي حَلَالٍ بِرِ هَر مَرْدٍ و زَن مُسْلِمَانٍ وَاجِبٌ اسْت. (مجلسی، ۱۴۰۶، ق ، ج ۱۰۳، ص ۹)

نگاهی میدانی به مسأله نشان می دهد که تهیدستی عوارض فراوانی در پی دارد که افزایش بزهکاری ها، آسیب های روانی، اعتیاد، تکدی گری، دروغ گویی، سرقت، تبهکاری، حاشیه نشینی، مهاجرت، تشکیل گروه های شورشی، فحشاء و ... تنها بخشی از آنهاست که همگی مرزهای اخلاقی را درنور دیده و فضایل را پایمال می نمایند. نا گفته پیداست که هر یک از معلول های ذکر شده، از نگاهی دیگر علت ایجاد ناهنجاری های جدیدی خواهد بود و این شبکه شوم علت و معلولی رفته رفته موجب از هم گسیختگی رفتار اخلاق مدارانه و فضیلت گرایانه فردی و اجتماعی می شود و نتایج رذیلت بار خود را در کوتاه مدت یا دراز مدت در سطوح مختلف بروز می دهد. (اریک، ۱۳۶۸، ص ۸۳)

نباید فراموش کرد نابسامانی های رفتاری آن گاه که به صورت اخلاق رذیلت در می آیند، در وجود اشخاص نهادینه شده و مانایی می یابد و چه بسا هر صفت زشت، رذایل دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. این موضوع به مرور زمان سرشت و طبع انسان را مضموم می نماید. بررسی اجمالی مفهوم/اخلاق به تبیین مسأله کمک می کند. این واژه جمع خُلُق و به معنای سیرت و صورت باطنی است؛ چنان که خُلُق به معنای شکل و صورت ظاهری است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۱۵۹) از همین جا بار دیگر اهمیت مطالعه ی تأثیر فقر اقتصادی بر شکل گیری شخصیت اخلاقی و سیرت باطنی افراد مشخص می شود. مسأله این است که چگونه تهیدستی فرآیند تربیت را با چالش روبرو نموده و رذیلت های اخلاقی را جایگزین فضیلت ها می کند تا قربانی خود را - در نهایت - به صورت شخصی بد رفتار، بزهکار یا تبهکار به جامعه معرفی نماید که در این صورت فقر توانسته است اجتماع را با انواع کجی ها مواجه نماید که پیش تر به آنها اشاره شد.

بنابراین آنچه ذکر شد لازم است تأثیر فقر اقتصادی بر ابعاد مختلف تربیت مبتنی بر اخلاق را

بررسی و نتایج آن را تحلیل نماییم. جز آن ضروری است دیگر جنبه های فقر را نیز مورد مطالعه قرار دهیم تا میزان اهمیت تربیتی و اخلاقی عامل تهیدستی مشخص گردد. نوشتار حاضر در پی آن است تا ابعاد مسأله را بازخوانی کرده و به نتایج آن دست یابد که به چه اندازه و چگونه فقر اقتصادی در ناکارآمدی تربیت تأثیرگذار است و به عبارت دیگر ایجاد مانع می نماید.

واژگان پژوهی

فقر

این واژه معادل (poverty) و به معنای تهیدستی است. کسی که منابع، اموال و قدرت خرید کافی در اختیار ندارد. در فرهنگ معین این واژه به مفهوم تنگدست، محتاج و تهیدست آمده است. (معین، ۱۳۷۶)، اصل این کلمه در زبان عربی با همین معنا استفاده گردیده، گرچه معانی دیگری نیز دارد. (سیاح، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۳۸) عموماً فقر را به معنای «عدم تکافوی ضروریات زندگی» تعریف کرده اند. چنین تعریفی به طور کلی دقیق و جامع نیست؛ زیرا ضروریات زندگی هر جامعه در طول زمان و مکان ابعاد و اشکال گوناگونی دارد و از جامعه ای به جامعه ای دیگر دگرگون می شود. از این رو تعیین یک تعریف علمی برای فقر که برای هر زمان و مکان صادق باشد، ممکن نیست. پژوهشگران ضوابط و معیارهای ویژه ای چون: درآمد، سرانه، میزان مصرف، مصرف روزانه ی کالری، مساحت سرانه ی مسکن، مصرف سرانه ی مواد غذایی و پوشاک، میزان برخورداری از آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و حتی سرگرمی و تفریح را تعیین کرده، براساس آن خط فقر را مشخص می کنند. (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

بروز نابرابری های مادی در میان اعضاء یک اجتماع یا چند جامعه شرایطی را ایجاد می نماید که افراد به دو دسته غنی و فقیر تقسیم می شوند که همین امر موجب بروز فاصله اجتماعی (social distance) می شود. فقر از جنبه های مختلف قابل بررسی است. جامعه شناسان فقر و غنا و میزان هر یک را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی می دانند و اقتصاد دانان سطح درآمد فرد یا خانوار را معیاری جهت تعیین اصل فقر و غنا قرار داده اند. واژه ی فقر با پسوندهای مختلف، کارکردهای متفاوتی می یابد همچون فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقر علمی، فقر شخصیتی، فقر معنوی و... در این پژوهش منظور از فقر، کارکرد و جنبه ی اقتصادی آن است که در حقیقت عدم برخورداری از منابع مالی و ناتوانی در رفع مایحتاج مادی روزمره را شامل می شود و از نگاهی دیگر، خود عامل بروز دیگر جنبه های فقر است.

در قرآن کریم نیز بارها این واژه به اشکال مختلفی با جنبه های متفاوت به کار رفته است. یکی از عمیق ترین کاربردهای این واژه در کلام الهی، در این کریمه استفاده شده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز و ستوده است. (فاطر / ۱۵) در این آیه ی کریمه، خداوند همگان را وابسته و نیازمند به

خداوند معرفی نموده و خود را بی نیاز و ستوده.

اخلاق

اخلاق معادل (morality) است که عموماً به صورت کلمه ی اخلاقی (ethical) بکار می رود. اخلاق جمع «خُلُق» است که به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی و ... به کار می رود. (سیاح، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۸) در قرآن کریم نیز به صورت واژه ی خُلُق استفاده شده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» به راستی تو را خوئی والاست. (قلم / ۴) طبیعت و سرشت انسان گاه مانند شجاعت و کرامت، پسندیده و گاه مانند لئامت و حسادت نکوهیده و زشت است. «خُلُق» بر خلاف «خُلُق» امری اختیاری است به این معنا که مجموعه ی صفات خوب یا بد در اختیار انسان است حال آن که صفات ظاهری و شکل آفرینش در اختیار انسان نمی باشد. دانشمندان تعاریف متعددی را برای این واژه بیان کرده اند. یکی از رایج ترین آنها عبارتست از: «صفات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد. (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۲۸)

تربیت

واژه تربیت معادل (training) و به معنای پرواندن است. واژه ی پرورش نیز از این خانواده می باشد. (سیاح، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۳۳) تربیت، دارای معنای عامی است که شامل همه ی موجودات می شود. برخلاف واژه ی اخلاق که منحصر به افعال اختیاری انسان است و سایر موجودات را در بر نمی گیرد. شهید مطهری در تفاوت میان اخلاق و تربیت می گوید: «تربیت، مفهوم پرورش و ساختن را می رساند و بس. از نظر تربیت فرق نمی کند که تربیت چگونه و برای چه هدفی باشد؛ یعنی در مفهوم تربیت قداست نهفته نیست که بگوییم تربیت یعنی کسی را آن طور پرورش دهند که یک خصایص مافوق حیوانی پیدا کند. اما در مفهوم اخلاق، قداستی نهاده شده است ... کلمه ی اخلاق را در مورد حیوان و گیاه به کار نمی برند. اخلاق اختصاص به انسان دارد... بنابراین اگر بخواهیم با اصطلاح صحبت کنیم باید بگوییم فن اخلاق با فن تربیت یکی نیست.. فن تربیت وقتی گفته می شود که منظور مطلق پرورش باشد.» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۵۷)

ارتباط تربیت و اخلاق

از آن جا که واژه ی تربیت شامل همه ی موجودات می شود انسان را نیز در بر می گیرد. انسان از آن جهت که دارای استعدادهای بالقوه ای است در فرآیند تربیت پذیری قابلیت های وی شکوفا شده و فعلیت می یابد. چنانچه مراحل تربیتی انسان بر مبنای کسب فضایل اخلاقی قرار گیرد، رفتار او بر مدار اخلاق حسنه شکل گرفته و مظهر فضیلت ها می شود. به عبارت دیگر تربیت پذیری و اخلاق در کنار یکدیگر موجب رشد و تعالی انسان می شوند. آن گاه که تربیت

رنگ اخلاق به خود گیرد شایسته‌ی رساندن انسان به کمال معارف الهی است. تربیت اخلاقی در مسیر خود همواره با موانعی مواجه است که میدان مبارزه و تقابل « نفس اماره» و « نفس لوامه» قرار گرفته و کارکردهای آن را با دشواری‌هایی همراه نموده است. فقر اقتصادی یا اصطلاحاً تهیدستی به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تربیت‌پذیری مبتنی بر اخلاق، موضوعی است که همواره تقابلی کلان را با تربیت و اخلاق ایجاد نموده است. ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را در ادامه‌ی این نوشتار بررسی خواهیم نمود.

نگاه قرآن کریم به فقر اقتصادی و تأثیرات آن در تربیت اخلاقی

خداوند متعال تأمین مایحتاج زندگی و رفع نیازمندی‌ها را به عنوان ضرورت قلمداد نموده و برآورده نمودن آن را بر اساس نظام حکمت به خود منتسب فرموده است. واژه‌ی رزق را بارها و در مواضع مختلف در لابلای آیات کلام وحی مشاهده می‌نماییم « وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ * فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ » و روزی شما و آنچه وعده داده می‌شوید در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این [سخن]، درست مانند اینکه شما سخن می‌گویید حق است. (ذاریات/ ۲۲ - ۲۳) علامه طباطبایی در شرح آیات مذکور چنین می‌نویسد:

«... معلوم می‌شود که رزق و مرزوق دو امر متلازمند که به هیچ وجه هم جدا شدنی نیستند. پس معنا ندارد موجودی با انضمام و لاحق شدنش به وجود چیزی دیگر در وجودش شکلی جدید به خود بگیرد و آن چیز منضم و لاحق در این شکل با او شرکت نداشته باشد... و نه این فرض که مرزوقی بدون رزق بماند. پس رزق داخل در قضاء الهی است و دخولش هم اولی و اصلی است نه بالعرض و تبعی. و این معنای همین عبارتست که می‌گویی رزق حق است» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۵۶۵)

از سوی دیگر قرآن کریم فقر را به عنوان نقص و آسیب ذکر نموده و آن را جهت رشد و تعالی انسان محدود کننده دانسته است؛ از همین رو خداوند متعال یکی از الطاف خود نسبت به نبی مکرم (ص) را رفع نیازمندی‌های مادی وی برشمرده است « وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى » و [خداوند] تو را تهیدست یافت پس بی‌نیازت نمود. (ضحی / ۸) در این آیه کلمه عائل به معنای تهیدستی است که از مال دنیا هیچ ندارد و رسول خدا همین طور بود. خدای متعال او را پس از ازدواج با خدیجه بی‌نیاز کرد و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید. (همان، ج ۳۰، ص ۵۲۴) و نیز به آن حضرت (ص) دستور می‌دهد که به پاس نعمت‌های الهی با افراد نیازمند خوش رفتار باشد: « وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ » و هیچ نیازمندی را مرنجان (ضحی / ۱۰). در سوره‌ی مبارکه ضحی به خوبی مقابله خداوند با فقر مادی پیامبر اکرم قابل مشاهده است و قرآن کریم یکی از منت‌های الهی بر ایشان را همین رفع فقر

اقتصادی می داند. نیک می دانیم که ثروت خدیجه همسر رسول خدا در انجام مأموریت های تبلیغی آن حضرت (ص) و همچنین توسعه و ترویج اسلام بسیار پر اهمیت بود. اگر چه در قرآن کریم واژه ی فقر با کاربردهای کاملاً متفاوتی بکار رفته، لکن خداوند این مفهوم را در موارد مادی محصول وعده های شیطان معرفی نموده و آن را به طور قطعی مخالف مسیر الهی می داند. بر اساس فرهنگ متعالی کلام الله مجید جهت وعده های ناصواب شیطانی، فقر و فرامینش منجر به فساد و تباهی است، حال آن که وعده های پروردگار متعال در راستای مغفرت و فضل بی انتهای اوست:

« الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يُعِدُّكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ » (بقره / ۲۶۸)

شیطان شما را به فقر و تهیدستی می خواند و به زشتی وا می دارد و خداوند به شما آموزش و بخشش خود را وعده می دهد و او وسعت بخش داناست. قرآن کریم با تشخیص بجای یکی از مهم ترین آسیب های بازدارنده ی شکل گیری نظام سلامت اخلاقی خانواده، به پیروان آیین مقدس اسلام توصیه می فرماید که به ازدواج توجه ویژه داشته باشند و زنان و مردان مجرد با تشکیل خانواده، خود را از فرو رفتن در باتلاق بد اخلاقی حفاظت نمایند. آن گاه فقر و تهیدستی را به عنوان مهم ترین عامل نگران کننده و شاید باز دارنده مورد گفتگو قرار داده و همگان را نسبت به نگرانی و ترس از آن هشدار می دهد؛ چرا که خداوند موجبات بی نیازی را به فضل و کرم بی انتهایش فراهم می نماید. البته قرآن کریم فقر و تهیدستی را توجیهی برای زشتی عملکرد ها نمی داند و مخاطبین خود را نسبت به بد رفتاری های اخلاقی هشدار می دهد:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ، إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نور / ۳۲ - ۳۳)

و زنان و مردان مجرد خود و بردگان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید. اگر تنگ دست باشند، خداوند آنها را به فضل خویش بی نیاز خواهدکرد و خدا گشایشگر داناست. * و کسانی که امکانات زناشویی نمی یابند باید خویشان داری کنند تا خداوند آنها را از کرم خویش بی نیاز نماید...

به موازات آیات فراوانی که به موضوع فقر و تهیدستی پرداخته شده، مجموعه ای از احکام اقتصادی نیز جهت برقراری تعادل مالی و هم سطح نمودن برخورداری های اقتصادی تشریح گردیده است. از دیدگاه قرآن کریم، فقر به عنوان پدیده ای منفی تلقی شده و متقابلاً تلاش فراوانی جهت زدودن این ننگ از چهره ی افراد و جامعه اسلامی صورت گرفته است. جعل

احکامی چون خمس، زکات، صدقات و ... در همین راستا است. قرآن کریم فقر را نتیجه عدم تعادل اقتصادی جامعه معرفی نموده که لازم است در هر شرایطی به سرعت بر طرف گردد چرا که عامل انحطاط اجتماعی و بروز نتایج سوء مدیریت اقتصادی جامعه می باشد.

« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ » (توبه/ ۶۰)

صدقه ها فقط به فقیران و بینوایان و عاملان جمع آوری زکات و دلجویی شدگان و آزادی بردگان و وام داران و جهت مصرف در راه خدا و در راه ماندگان تعلق دارد که این فریضه ای از جانب خداست و خداوند دانای حکیم است.

در نقطه ی مقابل فقر، خداوند غنا را به عنوان صفت برتر به خود نسبت می دهد که بارها در بخش های پایانی آیات کلام الله مجید به کار رفته است. بنابراین متن قرآن کریم بر نکوهش پدیده ی فقر، شیطانی بودن آن و تأثیرش در فرآیند تربیت پذیری اخلاقی فرد و جامعه دلالت آشکار دارد.

فقر اقتصادی در روایات و تأثیرات آن در تربیت اخلاقی

اهمیت موضوع فقر اقتصادی به حدی است که رفع آن به طور جدی مورد توجه معصومین قرار گرفته است. از دیدگاه بزرگان دین اسلام، فقر نه تنها در تربیت و اخلاق تأثیر گذار است که در ایمان و کسب فضائل معنوی نیز مؤثر بوده و موجب شدت و ضعف آن می شود. رویکرد بسیاری از روایات در توصیه به فرهنگ کار، تلاش و کسب روزی حلال است؛ عواملی که هر یک به خودی خود موجب بازدارندگی از ایجاد و شیوع پدیده ی ننگ بار فقر اقتصادی است. بیکاری و مشاغل واسطه ای از دلایل عمده ی برخی از بد رفتاری های اخلاقی و شدت گرفتن هنجار گریزی های اجتماعی می باشد. در مقابل کسب مال حلال و تلاش جهت دستیابی به روزی و تأمین نیازمندی های اقتصادی فرد و خانواده از سفارش های مؤکد معصومین است. رسول خدا فرمودند: «خداوند دوست دارد بنده اش را در زحمت طلب حلال ببیند» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۱۹). امام رضا (ع) در فضیلت کسب حلال فرمودند: «کسی که از فضل خدا روزی می جوید تا به وسیله ی آن خانواده اش را تأمین کند، اجرش از رزمنده ی در راه خدا برتر است» (همان) و نیز امام باقر (ع) فرمودند: «کسی که در طلب دنیاست به خاطر این که عفت نفسش را در برابر مردم حفظ کند و خانواده اش راحت باشد و به همسایگانش مهر بورزد، خدا را در روز قیامت ملاقات می کند در حالی که چهره اش مانند ماه شب چهارده است». (حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ص ۱۱) در این روایات، ارتباط کسب روزی حلام با تربیت اخلاقی و فضائل رفتاری به خوبی پیداست. امام علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه فرمودند: «فرزندم همانا بر تو از فقر می ترسم، پس از آن به خدا پناه ببر چرا که فقر نقصانی برای دین است» (نهج

البلاغه، کلمات قصار، ۳۱۹) انسانی که تهیدست است همواره بیم آن می رود که جهت رفع نیازمندی خود مرتکب خطا و بد رفتاری شود. فقر اقتصادی، چه بسا افراد بی بضاعت را در برابر مبلغ اندکی به انجام خطایی همچون رشوه، اختلاس، شهادت دروغ، فحشاء، مشارکت در سرقت، کم فروشی، گران فروشی و ... وا می دارد که همگی از مصادیق مفاهیم ضد ارزش و بد اخلاقی هستند.

حضرت در نامه ای به فرزندش امام حسن مجتبی می نویسد: «فرزندم انسانی را که به دنبال قوت و روزی خود می رود ملامت مکن، چرا که آن کس که قوت ندارد و آن را نمی یابد، خطاهایش زیاد می شود. فرزندم، فقیر حقیری است که کسی سخنش را نمی شنود و مقام و منزلتش ناشناخته می ماند. اگر راست بگوید او را دروغگو می نامند و اگر زهد اختیار کند او را جاهل می نامند. فرزندم، کسی که به فقر مبتلا شود به چهار ویژگی گرفتار شده است: در یقینش ضعف پیدا می شود، در عقلش نقصان، در دینش رقت پدیدار شده و حیا در او کم می شود» (نهج البلاغه، نامه ها، ۳۱). بی هیچ تردیدی فقر از دیدگاه معصومین عامل انحطاط تربیتی و بروز بد اخلاقی های رفتاری است.

فقر و تهیدستی نه تنها موجب پیدایش و شیوع انواع بد اخلاقی ها، که زمینه ساز ایجاد فقر اعتقادی و فاصله گرفتن از تربیت دینی نیز می گردد. امام صادق (ع) در نکوهش فقر اقتصادی و تأثیر مخرب آن بر باورهای دینی می فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۷۹) از همین روست که امیر المؤمنین علی (ع) به صراحت تنگدستی را کلید بدبختی و نکبت می داند «الْمَسْكَنَةُ مِفْتَاحُ الْبُوسِ» (همان، ص ۸۱)

فقر اقتصادی و عدم برخورداری کافی از توان خرید مالی همچنین می تواند زمینه ساز فساد اداری شود. در روایات اسلامی به این مهم پرداخته شده است. علی (ع) در نامه ی به کارگزار خود مالک اشتر، در خصوص ضرورت تأمین مالی و اقتصادی قضات و کارکنان حکومت می فرماید: «با جدیت تمام قضاوت های قاضی خویش را بررسی کن و در بذل و بخشش مال به او سفره ی سخاوت را بگستر آن چنان که نیازمندیش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم نداشته باشد... سپس حقوق کافی به آنها بده، زیرا این کار آنها را در اصلاح خویشان تقویت می کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آنهاست باز می دارد.» (نهج البلاغه، نامه ها، ۵۳) در این نگاه اندیشمندانه، نیازمندی های مالی کارگزاران حکومت عامل نابسامانی رفتاری و موجب آسیب های تربیتی و اخلاقی در میان آنها معرفی شده است. البته در بخش هایی از دستورات حاکمیتی امیرالمؤمنین چنین نگاشته شده که اگر کارگزاری با وجود تأمین مالی باز هم اقدام به خیانت در اموال بیت المال نمود، لازم است با وی برخورد جدی گردد. مطابق روایاتی که برخی از آنها ذکر گردید معصومین (ع) در خصوص تهیدستی و فقر هشدار داده و عاملیت آن در ایجاد

بد اخلاقی را یادآور شده اند. جامعه ی اسلامی نیازمند وجود شبکه ی سلامت رفتاری است تا بر آن اساس دغدغه های ناشی از تنگ دستی برطرف شده و نیازمندی های ضروری شهروندی تأمین گردد؛ در غیر این صورت جامعه همواره نگران بروز انواع بد رفتاری ها خواهد بود.

هنجار گریزی ناشی از فقر اقتصادی

نگاهی به بازخوردهای رفتاری فقر اقتصادی در جامعه، نشان می دهد که بسیاری از آسیب های اجتماعی به دنبال همین عامل ایجاد می شوند. حاشیه نشینی، بیکاری، دلالی، قاچاق، رشوه و ده ها عنوان شوم دیگر نتایجی است که به دلیل فقر، موجب پایمال شدن هنجارهای اجتماعی می شوند. هنجارهای اجتماعی، شیوه های رفتاری معینی هستند که بر اساس ارزش های اجتماعی جامعه شکل می گیرند و با رعایت آنهاست که جامعه نظم می یابد. در واقع هنجارهای اجتماعی تعیین می کنند که انسان چه باید بگوید و چگونه بیندیشد و چه اعمالی را انجام دهد. به همین دلیل هر کسی می کوشد تا رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار کند تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد. هنجارها را به سه دسته تقسیم می کنند:

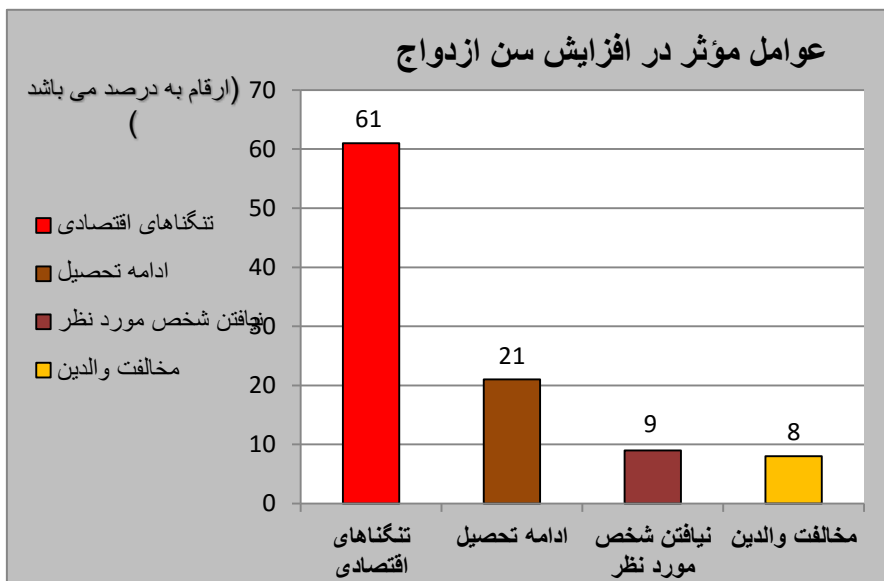
۱- هنجارهای دینی (شرع): هنجارهای دینی معلول آموزش های دینی هر جامعه ی مفروض هستند. به طور مثال هنجارهای دینی در کشور ما از فقه و شرع مقدس اسلام سرچشمه گرفته که خود ناشی از تعالیم وحیانی است. هنجارهای اخلاقی را نیز می توان در مقوله ی هنجارهای دینی به حساب آورد. نقض هر یک از هنجارهای اخلاقی، از نظر مردم پلید بوده و خطری برای جامعه به شمار می رود.

۲- هنجارهای رسمی (قوانین): هنجارهای رسمی مشتمل بر قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی و سازمانی حاکم بر کشور است مانند قانون اساسی، قانون مدنی، قوانین حقوقی و جزایی. هنجارهای رسمی توسط نمایندگان مجلس وضع می شوند و سازمان های قضایی و نهادهای انتظامی و نظارتی برای ضمانت اجرای آنها به وجود آمده اند.

۳- هنجارهای سنتی (عرف): هنجارهایی که به مرور زمان و به صورت تدریجی از اتفاقات روزمره زندگی سرچشمه گرفته و خاستگاه آنها کل جامعه است. این هنجارها جزئی از فرهنگ عامه است که آنها را با عنوان سنت ها، آداب و رسوم می شناسیم. آداب و رسوم مشخص می کنند که افراد در زندگی روزمره ی خود باید به چه شیوه های مورد قبول عمومی رفتار نمایند. (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

با مشخص شدن انواع هنجارها، اهمیت تعهد اجتماعی نسبت به آنها نیز روشن می شود. هرآنچه که به نوعی موجب اختلال در نظام هنجارهای اجتماعی باشد مغایر با سلامت رفتاری جامعه بوده و امنیت اخلاقی و تربیتی اجتماع را با تهدید مواجه می نماید. آسیب های اجتماعی ناشی از هنجار گریزی، رابطه تنگاتنگی با مقوله ی باورهای دینی و اخلاقی دارند. به طور مثال

در یک اجتماع مبتنی بر باورهای اسلامی، آمار فرزندان نامشروع نسبت به سایر جوامع کمتر است؛ چرا که هنجارهای دینی اجازه‌ی روابط نامشروع را نمی‌دهد هر چند که امکان و زمینه‌های ازدواج شرعی برای کسی فراهم نباشد. یکی از عوامل مهمی که مسیر ازدواج شرعی را مسدود نموده یا به تأخیر می‌اندازد، فقر یا محدودیت‌های اقتصادی است. طی تحقیقی که توسط نگارنده انجام گرفت از تعداد یکصد جوان مجرد بالای سن بیست و پنج سال، شصت و دو نفر معضلات اقتصادی، بیست و یک نفر عامل ادامه تحصیل، نه نفر عامل نیافتن شخص مورد نظر و هشت نفر دلیل مخالفت والدین را عامل نشدن شرایط ازدواج خود ذکر نمودند.

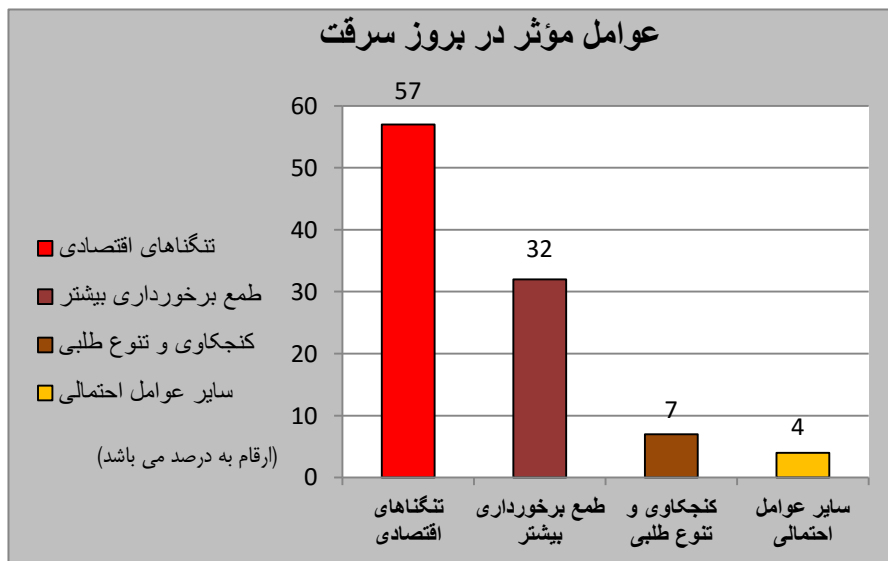


این نمودار که مبتنی بر تحقیق میدانی، استخراج شده به خوبی گویای تأثیر منفی محدودیت‌های اقتصادی در امر ازدواج است. همچنان که پیش‌تر ذکر گردید قرآن کریم با تشخیص به جای آسیب، راهکارهای آن را ارائه فرموده است. (ر.ک: نور / ۳۲- ۳۳) علاوه بر آن تأخیر در ازدواج و افزایش سن تأهل موجب ایجاد اختلال رفتاری در دوره‌های بعد از ازدواج نیز می‌گردد. اینگونه اختلالات رفتاری به طور غیر مستقیم معمول عوامل اقتصادی است که خود را به صورت پرخاشگری، تندخویی، توهم و خیال‌پردازی، افسردگی و غیره نشان داده و ادامه‌ی زندگی مشترک زوجین را تهدید می‌نماید. افزایش آمار طلاق همین مهم را تصدیق می‌نماید. بی‌تردید دلایل پدیده طلاق را باید در ناهنجاری‌های رفتاری جامعه جستجو نمود. (فرجاد، ۱۳۷۲، ص ۶۸)

نمونه‌ای دیگر که به صورت مستقیم باموضوعات اقتصادی در ارتباط است، معضل رواج انواع

سرقت در سطح عمومی جامعه است. در این عنوان شوم که موجب آسیب جدی امنیت اجتماعی و رشد بد رفتاری می شود، بار دیگر سهم فقر اقتصادی یا محدودیت های توان خرید بیش از سایر موارد احتمالی و مؤثر در سرقت ها است. نمایه ی زیر همین نتیجه را نمایش می دهد:

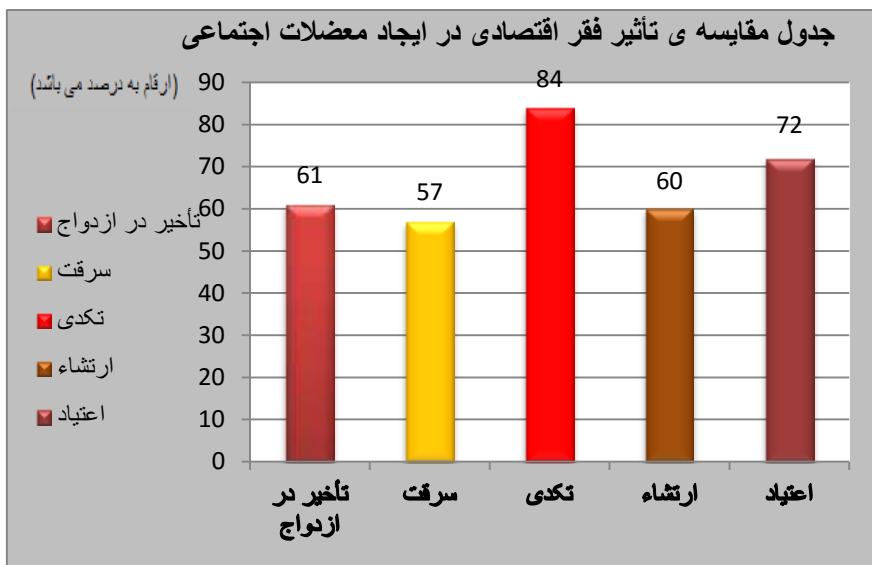
در این تحقیق که به صورت پرسشنامه از یکصد نفر از اساتید و مدرسین دانشگاه در گروه



های مختلف علمی به عنوان شهروند نظر خواهی شده است، تعداد پنجاه و هفت نفر عامل معضلات اقتصادی، تعداد سی و دو نفر عامل طمع در برخورداری بیشتر، تعداد هفت نفر عامل کنجکاوی و تعداد چهار نفر سایر عوامل احتمالی را در بروز انواع سرقت مؤثر دانسته اند. آنچه مسلم است عامل تهیدستی می تواند به عنوان سبب اولیه بسیاری از سرقت ها مورد توجه قرار گیرد که خود نکته ای اساسی در شیوع این آسیب اجتماعی به شمار می رود؛ آنگاه در مراتب ثانویه دلایلی همچون عادت، تنوع طلبی، شکاف طبقاتی و غیره تأثیر گذار خواهند بود. عامل فقر اقتصادی سرقت خصوصاً در سنین خردسالی و نوجوانی شیوع بیشتری داشته و پایه ی سرقت های سازمان یافته و حرفه ای در سنین بالاتر است. (منصور، ۱۳۶۸، ص ۴۲)

تحقیق میدانی مذکور در قالب پنج عنوان از آسیب های اجتماعی (تأخیر در ازدواج، سرقت، تکدی، رشوه، اعتیاد) انجام شده و در تمامی عناوین، فقر اقتصادی یا محدودیت های توان مالی و خرید مؤثرترین عامل در ایجاد هریک بوده است. نمایه زیر عاملیت معضلات و محدودیت های اقتصادی و مالی را در هر یک از موارد ذکر شده نشان می دهد تا میزان تأثیر فقر و تهیدستی در ایجاد و رواج آسیب های رفتاری مشخص شود. توجه به این نکته یار مهم است که هر یک از آسیب های ارزیابی شده، خود سبب بروز آسیب های متعدد بعدی می باشد.به

طور مثال تأخیر در ازدواج، زمینه ساز معضلات اخلاقی همچون افسردگی، افزایش روابط خیابانی، رواج فساد جنسی، احتمال بروز طلاق پس از ازدواج دیر هنگام و غیره است.



همچنان که ملاحظه می گردد عامل فقر اقتصادی در هر یک از نمودارهای نشان داده شده بیش از پنجاه درصد تأثیر را به خود اختصاص داده است..

نتیجه گیری

فقر اقتصادی از جمله عواملی است که همواره فرد و جامعه را متأثر از زیان های خود نموده است. تهیدستی عامل ویرانگر اجتماعات بشری و تهدید کننده ی سلامت اخلاقی و تربیتی به شمار می رود. اگر چه از فقر اقتصادی تعریف جامع ای ارائه نشده اما اصطلاح مذکور گویای ناتوانی فرد و اجتماع در تأمین زندگی و رفع نیازمندی های روزمره می باشد به گونه ای که فرد، خانوار یا جامعه را در شرایط نابرابر مالی و درآمد قرار می دهد. فقر اقتصادی یا تنگ دستی از یک سو زابیده ی عوامل متعددی است و از سوی دیگر تأثیرات متفاوتی از خود بر جا می نهد که تأثیر آن بر تربیت و اخلاق فردی و اجتماعی یکی از آنهاست. از این رو فقر و تهیدستی به شدت مورد نفرت و تهاجم آموزه های دین اسلام قرار گرفته و معصومین (ع) با عناوین و عبارات گوناگون در مورد رواج این پدیده شوم هشدار داده اند. نقطه ی مقابل مبارزه با تنگ دستی، تأکیدات بزرگان دین بر فرهنگ کار، تلاش و کسب روزی حلال است تا مسیر فقر در جامعه مسدود شده و مقدمات ایجاد آن حذف گردد. عوامل چون بیکاری، دلالی، تن پروری، تکدی گری و غیره موجب بروز فقر هستند که با جدیت مورد هجوم آموزه های دینی قرار گرفته اند.

نتایج حاصل از بررسی های علمی نشان می دهد که فقر اقتصادی تنها یک عامل در عرض دیگر عوامل ناکارآمدی تربیت اخلاقی نیست، بلکه مهم ترین و تأثیرگذارترین آنهاست. به هر میزان که فقر اقتصادی در سطح عمومی جامعه خودنمایی کند به همان میزان تربیت پذیری اخلاقی افراد با دشواری روبرو می شود؛ چرا که فقر اقتصادی عامل ایجاد فقر علمی، فقر عاطفی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، فقر سیاسی و فقر اعتقادی است. شیوع هر یک از این موارد میان اعضاء جامعه، دسته ای از مفاهیم اخلاقی را به چالش کشیده و فرآیند تربیت پذیری اخلاقی را با محدودیت یا بن بست مواجه می نماید. به همین دلیل است که امیرالمؤمنین (ع) در خصوص پدیده ی تهیدستی اینگونه تعبیر نموده است: «الْفَقْرُ مَوْتُ الْأَكْبَرِ» تهیدستی مرگ بزرگ تر است (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۳۱) و نیز دانشمندان جامعه شناس پدیده ی فقر را به عنوان تهدید جدی پایبندی افراد به هنجارهای جامعه معرفی نموده اند. رخدادهای بسیاری از ناهنجاری ها، بزهکاری ها و تبهکاری ها همچون سرقت، ارتشاء، عدالت گریزی، احتکار، رانت خواری، معاملات ربوی، مدگرایی، مصرف گرایی، کم فروشی، گران فروشی و غیره معلول فقر اقتصادی است. البته یادآوری این نکته مهم است که مطالعه ی تأثیر فقر اقتصادی در ناکارآمدی تربیت پذیری اخلاقی به این معنا نیست که تخلفات و جرایم فقط توسط فقرای جامعه رخ می دهد، بلکه نتیجه ی این مبحث آن است که فقر اقتصادی زمینه ساز انواع کمبودها و نواقص فردی و اجتماعی می باشد به گونه ای که تحقیقاً فرصت های تربیتی را از بین برده و مفاهیم اخلاقی را پایمال می کند. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که هر اجتماعی به همان میزان که در ریشه کنی فقر اقتصادی موفق است، می تواند در مؤثر بودن تربیت و نهادینه شدن فضائل اخلاقی نیز موفق باشد. در غیر این صورت رواج تهیدستی و فقر، محصولی جز تباهی و انحطاط همه جانبه ی رفتار اعضاء اجتماع، چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ایت الله مکارم شیرازی.
- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور.
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابراهیم مصطفی، ۱۴۱۰ق، المعجم الوسیط، دارالدعوه.
- ابن مسکویه، ۱۳۷۱، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، چاپ اول، انصاریان، حسین، ۱۳۷۵، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام ایبها، چاپ چهارم.
- باقری، خسرو، ۱۳۷۷، مبانی شیوه های تربیت اخلاقی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- بهشتی، محمود، ۱۳۸۱، معارف زندگی، انتشارات حضور، چاپ اول.
- ساعی، احمد، ۱۳۸۰، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی - سیلسی جهان، انتشارات قومس، چاپ سوم.
- ستوده، هدایت الله، ۱۳۶۸، آسیب های اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ هیجدهم.
- سیاح، ۱۳۷۳، المنجد، مترجم احمد سیاح، انتشارات اسلام، چاپ شانزدهم.
- صفاری نیا، مجید، ۱۳۸۹، روانشناسی اجتماعی تعلیم و تربیت، انتشارات پیام نور، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- فرانکنا، ۱۳۷۶، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، انتشارات طه، چاپ اول.
- فرجاد، محمد حسین، ۱۳۷۲، آسیب های اجتماعی، انتشارات منصوری، چاپ اول.
- فروم، اریک، ۱۳۶۸، جامعه ی سالم، ترجمه ی اکبر تبریزی، انتشارات بهجت، چاپ سوم.
- کلانتری، علی اکبر، ۱۳۷۸، اخلاق زندگی، انتشارات معارف، چاپ دوم.
- کمالی، علی، ۱۳۷۹، مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۴۰۶ق، دارالاضواء، چاپ اول.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، انتشارات مؤسسه امام خمینی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم.
- منصور، محمود، ۱۳۶۸، بزهکاری کودکان و نوجوانان، انتشارات چهره، چاپ سوم.